

## اگر جامعه به جای «من» بر محور «ما» شکل بگیرد، طراح در طراحی به ساختمان کناری هم نگاه می‌کند و تلاش می‌کند که تمام ساختمان‌های یک کوچه، در کنار هم، زیبا باشد.



محمد علی شاه آبادی (۱۳۲۸-۱۲۵۱ شمسی)  
عارف و فقیه شیعی. از اساتید اخلاق و عرفان حوزه علمی قم و تهران بود. مشهورترین شاگرد وی امام خمینی است.

که جامعه دینی باید از دو خیط یا ریسمان تشکیل شود: خیط نبوت و ولایت که در محور عمودی قرار می‌گیرد و خیط اخوت در محور افقی. ما به خیط اخوت نیاز داریم و اخوتی که بین ماست و از آن به روابط شهروندی یاد می‌کنیم باید بر محور ولایت خدا باشد. هویت ولایی، همان است که ایشان از آن به حبل الله یاد کردند و خیط اخوت همان است که ما با عنوان سطوح محتوایی از آن یاد می‌کنیم. ما محور کالبد را نیز به این دو خیط افزوده و معتقدیم که کالبد را نیز باید بر محور حضور امام شکل بدهیم.

+

### مؤلفه‌های محتوایی شهرزبانی

مؤلفه‌های محتوایی شامل روابط انسانی می‌شود و دارای سطوح مختلفی است. نخستین سطح آن، فرد است که یا به سمت «ما شدن» و کمال و افزایش مثبت می‌رود و به ولی الله الحاق می‌شود، یا سقوط می‌کند. شهری اسلامی است که فرد در آن روبرو به همگرایی حرکت کند؛ یعنی انسان، خودش را قدم به قدم فراموش کند و در حلقه بزرگ تری به ولایت امام و خدا ملحق شود و پیش برود. در این مسیر انسان ابتدا باید از خودش بگذرد و به والدین و محیط خانه برسد. در قدم دوم ذی‌القرنی یا خویشان صاحب‌ارث قرار می‌گیرند و قدم سوم به همسایگی مربوط می‌شود. روایت داریم که پیامبر آن قدر درباره همسایه توصیه کرد که من گمان کردم همسایه نیز از همسایه ارث می‌برد. در اینجا می‌توان از همسایه با عنوان محله یاد کنیم. قدم بعدی، جامعه شهری و بعد از آن امت واحده اسلامی است. مرتبه بالاتر، ارتباط با کل عالم است و بالاخره ارتباط با ولی اعظم. پس فرد هر چه در مراتب، بالاتر برود به ولایت الهی نزدیک‌تر می‌شود. در ادامه خواهیم گفت که التزام به سلسله‌مراتب در شکل‌گیری بافت شهری، کارگشاست.

انتظار می‌رود با «ما شدن» بر محور ولی الله، معنویت، بصیرت و موضع‌گیری جامعه ارتقا یابد؛ یعنی روح، ذهن و رفتار فرد، نه تنها انحطاط و التقاط نیابد، بلکه در جهت مثبت ارتقا پیدا کند. برای نمونه در این زمینه ریزش‌ها خاصه‌هایی ذکر می‌کنیم. معنویت، محبت، آرامش، عقلانیت، ایمان، ولایت‌مداری، دشمن‌ستیزی و اعتماد شاخصه‌های جامعه‌ای است که بر محور

فضاهای آموزشی باید پیرامون حرم باشد. پس تأکید حلقه اول باید بر فضاهای فرهنگی باشد، تأکید حلقه دوم بر فضاهای اجتماعی باشد، تأکید حلقه سوم بر فضاهای سیاسی و تأکید حلقه چهارم بر فضاهای اقتصادی باشد. در مجموع هر چه پول، سرمایه‌داری و سرمایه‌سالاری را از حرم دور کنیم، محیط حرم سالم‌تر می‌ماند.

به‌طور مثال شهروند مشهدی ای که می‌خواهد کنار حرم منزل داشته باشد، باید ایثارگرترین فرد نسبت به امام رضا (ع) باشد تا بتواند در آن منطقه سکونت کند. حال اگر

معادله را عوض کنیم و ارتفاع ساختمان‌های اطراف حرم را کاهش دهیم تا حرم از تمام شهر دیده شود، اما هیچ ساختمانی از حرم دیده نشود؛ دیگر در کنار حرم برج پانزده طبقه ساخته نمی‌شود. برای حل مشکل اسکان زائران نیز باید از فرایند وقف و روش‌های جدید حمل و نقل استفاده کنیم. اصل موضوع را نباید به دلیل فرعی که علاج دارد، نادیده بگیریم. چگونه در اربعین چند میلیون زائر در فضایی محدود پذیرایی می‌شوند و مشکلی پیش نمی‌آید؟ چون درهای خانه‌های مردم باز است. اینجا نیز باید همان حلقه‌ها را ایجاد کنیم و به ساکنان آن محدوده، فرهنگ خادم بودن را از کودکی آموزش دهیم.

یکی از راهبردهایی که باید به آن توجه کنیم، مفهوم خادم بودن است. شهری

ولایت شکل گرفته است. جامعه بصیر باید به‌صورت بهنگام، قاطع و فراگیر موضع‌گیری کند. لذا مسئولیت‌پذیری، مشارکت، همکاری جمعی، خلاقیت، عفت، تقوا و صداقت جزو ویژگی‌های چنین جامعه‌ای است. شاخصه‌ها و مؤلفه‌های روابط انسانی که محتوای جامعه را تشکیل می‌دهد، باید نوعی از ارتباط باشد که معنویت و بصیرت و... را ارتقا دهد و اگر چنین نشود، معلوم است آن جامعه از جایی به جز ولایت امام تغذیه کرده است.

+

### حرم و شهر

محوریت پهنه‌بندی باید با مسجد باشد و جداکردن پهنه مسکونی از پهنه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خطاست. پهنه مسکونی، کف‌زندگی مردم است و فضاهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، فضاهایی هستند که باید به مردم خدمات بدهند. باید محوریت را به مسجد بدهیم و بعد فضاهای دیگر را در سطح محله ایجاد کنیم. نباید مکان خرید و مکان کار اداری از مکان زندگی مردم جدا باشد. در شهرزبانی نیز باید محوریت با حرم باشد و در نزدیکی آن، فقط فضای فرهنگی وجود داشته باشد نه بازار. در نزدیکی حرم باید حوزه‌ها و مدارس علمیه باشد تا مردم نور ببینند؛ چراکه «العلم نور». حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و

شذرات المعارف، نوشته آیت‌الله شاه‌آبادی

